عبدالرحیم عقیقی بخشایشی

سیری در مفاهیم تفاسیر معاصر شیعه

بحث ما با تأخیر اندکی که رخ داد، پیرامون تفاسیر شیعه این گنجینه‌های معارف الهی و قرآنی دور می‌زد و در سالهای پیشین به صورت عبوری و گذرا، اسامی تعدادی از کتابهای تفسیریِ شیعه را تا قرن پانزدهم هجری معرفی نمودیم اکنون نوبت آن رسیده است که وقفه و مکثی درآستانهٔ قرن پانزدهم هجری داشته باشیم و به محتوی و درون این تفاسیر نیز نگاهی بیافکنیم و از محتویات آنها توشه‌ای نیز نثار یاران صبور ووفادار مجله وزین مکتب اسلام بنمائیم امید است شما عزیزان همراه و همسفر ما دراین سیر و سفر روحانی و علمی بوده باشید.

۱ - علامه طباطبائی (متوفی ۱۴۰۲)

احیاءگر تحولات قرآنی و تفسیری در عصر حاضر

نخستین چهرهٔ نورانی که دراین سیر و گشت و گذار با آن روبرو می‌شویم، عارف نامی و مفسر صمدانی حضرت استاد علامه سید محمد حسین طباطبائی﵀ و تفسیر شریف المیزان او است که به حق تقدم و ولایت بر دیگر تفاسیر رائج معاصر دارند و نوع تفاسیر بعدی، از خوشه‌چینان خرمن فضل و دانش و تجربه آن بوده‌اند وبه نوعی از آن منبع فضیلت و معرفت، طرفی بسته و میوه‌ای چیده‌اند. او به حق احیاء گر علم تفسیر در عصر اخیر بوده است. احیاءگران علم و مذهب و آغازگران طرحهای جدید واندیشه‌های نو درهر قرن و برهه‌ای از زمان از نوآوریها و نوسازیها و خصوصیات ویژه‌ای

برخوردار بوده‌اند که درخشش فعّالیّت آنان هرکدام در یک بعد از ابعادمختلف فکری و علمی، سیاسی، اجتماعی، هنری و مذهبی جلوه‌گر بوده و عامل دگرگونی وتحول وسیع و گسترده در عصر خویش بوده‌اند.

بخشی از نیازهای اصیل جامعه یانارسائیهای یک طرح یا یک اندیشه راجبران و تأمین می‌سازد و دریچهٔ نور و رحمتی را به روی مردم مسلمان و در نتیجه جامعهٔ بشری باز می‌گشاید و این احیاگران هرکدام تاریخ جداگانه و سرنوشت مخصوصی داشته‌اند که خود ارزنده و سازنده و سرنوشت‌ساز می‌باشد وتاریخ زندگی استاد علامه طباطبائی از همه آموزنده‌تر واسلامی‌تر و قرآنی‌تر می‌باشد.

از میان اندیشمندان و متفکران اسلامی (صرف نظراز نام آوران رشته‌های خاصی از معارف اسلامی مانند: فقه و تفسیر وادبیات و... که هرکدام رجال نامور و بلندآوازه‌ای برای خود داشته‌اند) می‌توان در این سلسلهٔ بزرگ از امام محمد غزالی (۵۰۵هجری) خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲) ، عبدالرحمن بن خلدون(۷۸۰هجری)، فیض کاشانی(۱۰۹۰) سید جمال الدین اسدآبادی(۱۳۱۴) اقبال لاهوری(۱۳۵۷) شیخ محمد عبده(۳۲۳) سید رشید رضا(۱۳۵۴) شهید استاد مرتضی مطهری(۱۴۰۰) و... نام برد که هرکدام در عصر خویش با توجّه به روح جامعه و نیاز معنوی و فکری آن، گامهای مؤثر و احیاءگرانه‌ای را برداشته‌اند که درتاریخ اسلام باعنوان درشت و چشم‌گیری ثبت گردیده است.

شادروان استاد علامه فیلسوف بزرگ شرق و مفسر کبیر قرآن مرحوم سید محمد حسین طباطبائی نمونهٔ بارز و ارزنده‌ای از این تبار احیاءگر واز این قبیله پیشتاز بود که در مقطع خاص زمانی معاصر، تحول و دگرگونی مهمی را ایجاد کرد. او یکی از احیاگران و مصلحین بزرگی بود که با اطمینان کامل می‌توان گفت افزون‌تر از گذشتگان در محدودهٔ بازتر و درمنطقه‌ای وسیع‌تر و فراگیرتر، اسلام رامطرح و درمورد آن خدمت بسزا انجام داد.

شخصیت پرتلاش

استاد علامه طباطبائی با آن استعداد فوق‌العاده و کارآئی گسترده و وسیع، تحولات فکری جدیدی را درحوزهٔ علمیه آغاز نمود که نقش او انکارپذیر نبوده و نیست و دراندیشهٔ اکثر متفکران امروز انقلاب، حضور پرصلابت تفکّرات علامه طباطبائی استوارترین نقش را دارد که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱ - مفسر بزرگ قرآن

علامه شاگرد قرآن همدم عرفان واستاد فلسفه بود. او استاد معلمان و معلم قرآن و مدرس امّت بود. علامه شخصیت والای خویش رادر هر برگ حیات پرثمره‌اش با مجاهده و خون‌دل خوردن نقش زده است.

علوّ مرتبهٔ او را در هر سطر کتابش، هر نشست مجلس درسش و در حیات فکری شاگردانش که هرکدام رکنی از جامعهٔ اسلامی بوده و هستند می‌توان یافت. و وسعت اندیشه‌اش را در نفوذ آن به قلمرو تفکر همه اندیشمندان می‌توان دید. بیش از همه آثار علامه تفسیر المیزان اواست که در هر حجره و هر کتابخانه‌ای که تعلیم و تعلم اسلام و قرآن درآن راه داشته باشد، جای دارد.این تفسیر بیست جلدی به همه کشورهای اسلامی پای نهاده است. چون علامه در تفسیر المیزان قرآن را به وسیله خود قرآن تفسیر نموده است واین اثر در نوع خود از جامع‌ترین و برجسته‌ترین تفسیرها از صدر اسلام تاکنون بوده است. مجله رسالة‌الإسلام ارگان دارالتقریب بین‌المذاهب‌الإسلامیة در شماره دوم سال هشتم سال ۱۳۷۵ بالاترین توصیفها را در بارهٔ این تفسیر به کار برد، و نخستین تفسیر روز را پس از **مجمع‌البیان** وارد بولتن مطبوعاتی اهل سنت نمود.

تفسیری به عظمت المیزان می‌تواند شخصیت علامه را به عنوان یک مفسر بزرگ قرآن جلوه دهد و احاطهٔ علامه به دیگر شاخه‌های اندیشهٔ اسلامی را به عنوان خرق عادت از نظر بپوشاند به راستی که علامه با حیات فکری خویش خارق‌العاده بودن را عادت خویش ساخته است.

۲ - تربیت شاگردان نامدار

یکی دیگر از آثار تحول وانقلاب این مرد بزرگ تربیت انبوه شاگردان فاضل و دانشمند می‌باشد و این یک توفیق بزرگ الهی بود.

از این گذرگاه چه صدمات و لطمه‌های فراوانی به جامعهٔ ما وارد گشته است که جبران‌ناپذیر است. نمونهٔ عینی آن در شهادت آیة‌الله مطهری و دیگر بزرگان اسلامی بود که معلوم گردید که جامعه آشنائی کامل با آنان نداشتند.

مرحوم علامه شاگردانی را تحویل اجتماع اسلامی نمود که هر کدام بخشی از فعالیتهای نظری و علمی، تئوری و عملی، انقلاب اسلامی ایران را بر عهده داشته و دارند وبه این ترتیب نقش تفکر علمی علامه طباطبائی در فعالیت هرکدام از آنان در هر بعد از ابعاد مختلف فکری، علمی، اجتماعی، سیاسی

و مذهبی جلوه گر می‌باشد.

آنان بخشی از معارف و نیازهای اصیل جامعه را تأمین نموده‌اند. به حدی که فصل نوینی به سوی مردم مسلمان و در نتیجه جامعهٔ بشریت باز گشوده‌اند و هرکدام تاریخ جداگانه و سرنوشتی داشته‌اند ارزنده و آموزنده.

پرورش شاگردان تشنه و شیفتهٔ معارف اسلامی یک نقش اساسی است او شاگردان برجستهٔ مخلص و صدیقی را پروراند، بی‌آنکه طالب عنوان و مقام و تز و نام و شهرت باشد و به تعبیر خود این بزرگ، در جمع شاگردانی که اصرار داشتند از منبر و بلندگو استفاده نمایند می‌فرمود: **آقایان از اینجانب دو چیز طالب هستند: جای بلند و صدای بلند! و متأسفانه من از هر دو گریزانم!** این سخن ناشی از تظاهر و خودنمائی نبود و نه تنها گریزان از جای بلند و صدای بلند، بلکه گریزان از کسب مقامات بلند ظاهری و فناناپذیر و گریزان از آوازه و شهرت و اشتهار بلند دنیوی بود. امری که فراوانند کسانی (عاری از فضیلت) که در استقبال آن قربانی ذبح می‌کردند و با سر می‌دویدند.

۳ - تحول در حکمت و فلسفه

عظمت تحول و ابتکار علامه طباطبائی در حوزه علمیه، هنگامی بیشتر جلوه گر می‌شود که بدانیم او زمانی در سنگر فلسفه و حکمت اسلامی، پایداری و پایمردی نشان داد که افکار فلسفی مادی سیل‌آسا و به صورت ویرانگر به کشورهای اسلامی و شرقی، سرازیر بود و روشنفکران و منتسبین علم و دانش، همه خلع سلاح شده بودند و می‌خواستند شرق اسلامی روحاً و جسماً صورتاً و سیرتاً فرنگی و غربی باشد یعنی پاک‌باختهٔ تمام عیار و کامل!

او با مقاومت کم‌نظیر در برابر این سیلاب ایستاد و اصالت و هویت معنویت اسلامی را در راه تداوم آرمان نه شرقی، نه غربی نه یونانی، نه رومی حفظ کرد و دراین پایداری واستقامت پیروزی و موفقیت را نیز به دست می‌آورد و از فلسفهٔ شرقی واسلامی آنچنان بنای مستحکم پی افکند که توانست در برابر افکار فلسفی وارادتی بایستد و مقابله کند و افکار مرحوم ملاصدرا و فلسفهٔ اسلامی را در برابر افکار غربی به مقابله و پاسخگوئی وادارد. او با ژرف اندیشی خاص و آینده‌نگری ویژه‌ای که مخصوص مردان با ایمان و تربیت‌یافتگان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌باشد به کنجکاوی در دقائق و ریزه کاریهای آن پرداخت و درزمانی که آن همه ایرادگیریها و ملامتها که نوآزمودگان به فلسفه و فیلسوفان می‌گرفتند او بدین وسیله نه تنها افکار مادی والحادی را از فضای شرق

اسلامی دور ساخت، بلکه توانست اندیشهٔ اسلامی را به ذهن متفکران غربی نیز بکشاند و مستشرقان را بامعنویت تشیع آشنا و مأنوس سازد. آنسان که هانری کربن فرانسوی را مجذوب عرفان تشیع نمود.

'او همیشه به دنبال آن بود که نقبی نوین به سوی روشنائی بزند و جهان ماده و ماده گرائی را به معنویت اسلام سوق دهد. فلسفه و حکمت الهی در این راه پرپیچ وخم ابزار کار وعصای دست او بود. او همیشه همه جانبه به جهان می‌نگریست عارفی بود که اندیشه‌های لطیف عرفانی او درمواردی بیشتر از فلسفه قدرت نفوذ و گسترش داشت آنچنان که در دروس فقه واصول و اخلاق، استادی سرآمد بود یکی از بارزترین آثار تحول وانقلاب فکری او پرداختن به فلسفه مقارن با فلسفه تطبیقی بود که برای نخستین بار توسط او آغاز گردید او بار نخست باتأمل در مفاهیم و تفکرات غرب به مقایسه آن با فلسفه اسلامی دست یازید ودراین مقایسه و تطبیق، برتری اندیشه اسلامی را باقدرت هرچه تمامتر و با شدت هرچه بیشتر در سالهای ۱۳۳۰ - ۱۳۲۰ نشان داد او در برابر امواج تبلیغات مسموم با افراشتن سد محکم و ذهن نفوذناپذیر از گسترش و هجوم افکار الحادی جلوگیری نمود و دراین سعی و تلاش پی‌گیر دست پروردگان و شاگردان او مانند شهید استاد مطهری بانوشتن پاورقیهای اصول فلسفه و روش رئالیسم واستاد محقق ناصرمکارم بانوشتن فیلسوف نماها واستاد سبحانی بانگارش مباحث توحید و نبوت و فروغ ابدیت او را یاری دادند.

آنان نشان دادند آنان که بیش از همه از عینیت و واقع‌گرائی دم می‌زنند بیش از همه دچار ذهنیت‌گرائی آشفتهٔ خویش هستند.

او با آن روح خاضع و متواضع وبا آن صفای قلبی درخشان و با آن روح جویاگر و تلاشگر وبا آن عرفان زلال اسلامی وبا آن تربیتها و کوششهای ارجدار خانوادگی در برهه‌ای از شرائط خاص زمانی و مکانی که قرار گرفته بود، گوهر وجودی خود را، آب‌دیده‌تر کرد، روح خود را با شعله‌های بصیرت بخش و دل‌افروز عرفان، که ازفروغ وحی و چراغ نبوت پرتو می‌گرفت آشنائی والفت داد. وبا اندیشه‌های تابناک و ژرف متفکران بزرگ و فلاسفه اسلام و شرق انس گرفت درعین حال بر سیر استدلالی فقه واصول و فلسفه و حکمت نیز وقوف و تبحر کامل یافت تا آنکه خود اُسوه و قُدوه و پیشرو علم و معرفت و حکمت و عرفان گشت.

به راستی عظمت کار علامه.طباطبائی و ارزش وجودی آن بزرگ از دست رفته دراین امر نهفته بود که او در دورانی به تدریس و تفسیر قرآن مجید پرداخت که قرآن مجید به نحو اندوهباری در حوزه‌های علمیه متروک و مهجور مانده بود واگر کسی می‌خواست به تدریس تفسیر قرآن بپردازد،

می‌بایست دست از تمام مزایا و حقوق اجتماعی خویش بشوید و خود را قربانی و فدای کلام الهی سازد و او اینچنین کرد عظمت کار احیاءگری و تحول شگرف او در این امر نهفته بود که او در مقطع زمانی خاصی شروع به تدریس و تدرس فلسفه و حکمت نمود که جهان اسلام در اثر برخورد با افکار فلسفی شرق و غرب ودرجهت حفظ و نگهداری هویت اسلامی خویش شدیدترین نیاز را به فلسفه و حکمت الهی داشت ولی اکثریت مردم متدین نه تنها از این امر، غفلت داشتند بلکه دشمن و بدخواه نجات دهنده نیازهای خویشتن نیز بودند.

عظمت و ارزش کار علامه طباطبائی دراین امر نهفته است که او بدون ادعا و توقع و بدون چشم داشت مادی و معنوی و بدون زُست و قیافه گرفتن که ویژه مردان صادق و راستین علم واندیشه است، به این امر قیام ورزید و به آن نظم و نسق و سر و سامانی داد.

۳ - آغازگر تفسیر نوین

مفسر عالیقدر و عارف صمدانی و فقیه رحمانی حضرت استاد علامه طباطبائی پایه گذار تفسیر قرآن در حوزهٔ علمیهٔ قم و جهان تشیع یکی از چهره‌های نورانی و عرفانی می‌باشد که آوازهٔ او عالمگیر و جهان شمول گردیده است.

بحث و گفتگو و سخن گفتن از این حکیم فرزانه بسیار دشوار و سخت می‌باشد و حقیقت این است که در حق او سخنی باقی نمانده است. که به زبان و بیان نیامده باشد.

او به حق انسان وارسته و پشت پازده به تمام تعلّقات و وابستگی‌های مادی و دنیوی و هرآنچه که از آن بوی دنیا و رائحه غیر خدا بودن می‌آمد او خود را پاک و پیراسته نگه داشته بود به همین جهت است. آثار، افکار و نوشته‌های او نیز رنگ جاودانگی و عطر همیشگی را به خود گرفته است واز آن میان تفسیر همیشه جاودان **المیزان فی تفسیر القرآن (تفسیر المیزان)** با توجه به وزانت و ارزشمندی وبا توجه به عمق‌نگری و ژرف‌اندیشی و با توجه به جهان‌شمولی و سیر فطری و طبیعی آن وبا توجه به آن خط و مشی قرآنی و عترتی و با عنایت به استفاده از قرآن در تفسیر قرآن به آن کتاب ارزشمند رنگ همیشگی و صبغهٔ ماندگاری را بخشیده است و حدود نیم قرن طلوع و مطرح شدن آن در تمام اقطار دنیا از این موفقیت چشمگیر نوید و بشارت می‌دهد.

امروز تفسیر المیزان علامه طباطبائی تمام مراکز فرهنگی و مجامع علمی و دانشگاهی جهان اسلام را درنوردیده و به تمام یا اکثر زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است وافکار این عالم فرزانه را همراه

هدایتهای جهانتاب قرآنی به هر کوی و برزن و کاشانه منتقل نموده است. وقتی علامه طباطبائی گفته می‌شود، همانند آن است آیتی از آیات الهی و حجتی از حجج ارزنده رحمانی متجلی وتداعی می‌گردد واین امر جز به برکت قرآن و فنا و نابود شدن در مفاهیم عالیه آن عامل دیگری ندارد.

روش تفسیری المیزان

علامه طباطبائی در پیمودن راه بازگشائی مشکلات و پیچیدگیهای قرآنی، روش بسیار مفید و طبیعی را طی نموده است و آن تفسیر قرآن به وسیلهٔ خود قرآن می‌باشد و آن روش این است که آیات متعددی که پیرامون یک امر یا موضوع در قرآن مجید آمده است کنارهم دیگر قرار دهیم، مفاهیم و معانی آنها را به همدیگر عرضه نمائیم تا برداشت کلی و عمومی از تمام آیات مربوطه به دست بیاید تا رهگشای ما در فهم مقاصد آیات نورانی الهی گردد.

سیرهٔ مفسران آیات الأحکام قرآن این بود که در استنباط یک حکم فقهی آیات مقیده را شاهد تقیید آیات مطلقه قرار دهند وآیات خاصه را سند تخصیص آیات عامه می‌دانستند و نیز در مورد مجمل و مبین همین روش را اعمال می‌نمودند مفسران ادبی قرآن نیز همین روش را داشتند آنان موارد استعمال حقیقت و مجاز، کنایه صراحت، فصاحت و بلاغت را استقصاء و شمارش می‌نمودند سپس درجای جای خویش از آنها استفاده و بهره‌جوئی می‌کردند.

علامه طباطبائی این روش را تعمیم دادند و در هر مورد کلامی، فقهی، ادبی، اقتصادی همین امر را به کار گرفتند و آیات را در هر موضوعی کنار هم ودر مقام تفسیر هم قرار دادند.

علامه طباطبائی در اثر آشنائی کامل به مبادی برهان و شرائط مقدمات آن و در اثر آشنائی به عرفان و خطوط کلی کشف و اقسام شهود ودر اثر پیمودن راههای دشوار تهذیب نفس و تزکیه روح به آسانی می‌توانستند روح کلی و مسیر هدایت الهی را کشف و درک نمایند وظواهر آیات را با مفاهیم معمولی تطبیق نمایند و اسرار حروف مقطعه را نیز به این مشکل حل نمودند که حرف مقطعی رمزی است به محتوای سوره واشاره‌ای است به مضمون آن.

باش تا صبح دولتش بدمد کاین هنوز از نتائج سحر است